

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

فرهاد مشرف

۱۰ فبروری ۲۰۲۰



گوسفند پنجم حق سگ دانا!!



کرم علی سی سال قبل ازدواج کرده بود و از زندگی اش خیلی خوش و از همسرش خیلی خیلی راضی بود. روزی از روزها سگ همسایه شان زنش را دندان گرفت و بر اثر دندان گرفتگی خطرناک زنش مریض شد و بعد از مدتی فوت کرد.

کرم علی خیلی مغموم و دلشکسته شد و هیچ وقت از منزلش خارج نمی شد و کاملاً در غم و اندوه فرو رفته بود. اولاد کرم علی به پدر پیرشان پیشنهاد ازدواج مجدد دادند اما پیرمرد قبول نمی کرد و به عشق اولش پایبند بود از طرف بچه ها اصرار و از طرف کرم علی انکار.

بعد از مدتی اصرار فرزندان نتیجه داد و پیرمرد قبول کرد که ازدواج کند. فرزندان هم گشتند و گشتند و یک دختر بیست ساله خوشگل و زیبا را برای پدرشان انتخاب کردند. جشن مفصلی هم گرفتند و عروس خانم را به خانه پیرمرد قصه داستان ما بردند.

عروس خانم از همه لحاظ بی اندازه به کرم علی می رسید و تلاش می کرد پیرمرد را خوشحال کند. چند روز که گذشت پیرمرد خوشحال و سرمست از ازدواجش فرزنداناش را صدا زد و گفت به شکرانه ازدواجش پنج گوسفند را قربانی کنند و دو گوسفند را بین فقراء ، یک گوسفند را بین خواهر و برادرش و یک گوسفند را برای شام خودش و همسر جوانش بیاورند.

فرزندان پرسیدند: "پدرجان گوسفند پنجم را چه کار کنیم؟"

کرم علی گفت: "گوسفند پنجم را برای سگ دانا و خیر اندیش که مادرشان را دندان گرفته بود، ببرید، خدا خیرش بدهد انگار او مصلحت من را بهتر از خودم می دانست لیاقتش است با این کارش..."